

همه جا تحت مراقبت فرشتگان الهی هستید

احمد عدالتیان| در ادامه مرور سوره‌های قرآن کریم به سوره مبارک «طارق» (کوینده) می‌رسیم که خداوند متعال در آیات یک تا ۱۰ آن می‌فرماید:«سوگندبه آسمان وستاره طارق وتوجه دانی که طارق چیست؟ ستاره‌ای است درخشنده. [به این ها سوگند که] هیچ‌کس نیست مگر آنکه بر او نگهبانی است. پس انسان بنگرد که از چه آفریده شده است. از آبی جهنده آفریده شده که از بین کمر و سینه بیرون می‌آید. همانا او بر بازگرداندنش تواناست. روزی که اسرار آشکار شود، پس برای انسان.

هیچ قدرت و یآوری نیست.»

این سوره، هفده آیه دارد و در مکه نازل شده است. «طارق» به معنای کسی است که در شب وارد شود و در را بکوبد که در اینجا به یکی از ستاره‌های آسمان. اطلاق شده است و «ثاقب» که به عنوان صفت آن آمده، نیز به معنای سوراخ کردن است وگویااین ستاره بانور خود، تاریکی

شب را سوراخ می‌کند.

خداوند به آسمان واین ستاره سوگند می‌خورد که بر انسان ها،نگهبانانی قرار داده است که از آن‌ها حفاظت می‌کنند و اعمال آن‌ها را می‌نویسند. در بخش اول سوره، هشدار به انسان درباره معاد باتوجه دادن او به منشأ وجودی اش، مطرح می‌شود که آبی پست و ناچیز بوده است. اگر چگونگی تولد فرزند، از انعقاد نطفه تا خروج از شکم مادر، مورد مطالعه و دقت قرار گیرد، زمینه ایمان به معاد و پذیرش قدرت بی‌نهایت الهی را فراهم می‌کند؛ زیرا خدایی که انسان را یک بار آفریده است، بر آفرینش دوباره او و حضورش در دادگاه رسواگر قیامت، نیز قادر است.

صحیفه

مراقب باش شبیه ظالم نشوی!

علیرضا وکیلی|گاهی کسی که از ظلم آسیب دیده است، پس از مدتی چنان از رفتار طرف مقابل خشمگین می‌شود که کم‌کم همان شیوه را در پیش می‌گیرد، با تحقیر پاسخ تحقیر می‌دهد، برای تلافی، آبروی دیگری را می‌برد و برای گرفتن حقش، از حق دیگران هم عبور می‌کند. در چنین موقعیتی، ممکن است فرد همچنان خودش را مظلوم بداند، اما رفتارش دیگر از مرز عدالت گذشته باشد.

حال سؤال این است آیا رنجی که از ظلم کشیده ایم، به ما اجازه می‌دهد همان رنج را به دیگری تحمیل کنیم؟ امام سجاد^ع در فرازی از دعای چهاردهم صحیفه سجاده‌یه، دقیقاً به همین خطر توجه می‌دهند. ایشان می‌فرمایند: «اللَّهُمَّ وَصِّلْ عَلَيَّ مُحَمَّدًا وَأَلِيَّهُ وَلَا تُسَوِّغْ لَهُ ظُلْمِي، وَأَخْسِنْ عَلَيَّهِ عَوْنِي، وَاعْصِمْنِي مِنْ مِثْلِ أَفْعَالِهِ وَلَا تُخَفِّنِي فِي مِثْلِ خَالِهِ. خدایا! بر محمد و خاندانش درود فرست؛ ظلم او را نسبت به من روا و آسان قرار مده، یاری خود را در برابر او به بهترین شکل نصیب کن. مرا از انجام رفتارهایی مانند رفتار او حفظ کن و مرا در وضعیتی مانند وضعیت او قرار مده!»

در این فراز امام دو خواسته را کنارهم قرار می‌دهند: نخست، خداوند اجازه ندهد ظلم به ایشان ادامه پیدا کند، دوم، خود ایشان از گرفتار شدن به همان رفتارها و همان وضعیت اخلاقی در امان بمانند. این کنارهم آمدن معنادار است. دفاع از حق، مهم است اما حفظ اخلاق و عدالت نیز بخشی از همین دفاع است. قرآن کریم می‌فرماید: «وَلَا يَجْرِمَنَّكُمْ شَنَاٰنُ قَوْمٍ عَلٰی الْاَتَدٰنِیْلُوْا اَعْدٰیوْهُمُ الْاَقْرَبُ لِلْقَوٰی: دشمنی با گروهی، شما را به ترک عدالت نکشاند؛ عدالت کنید که به تقوا نزدیک‌تر است.» (مائده، ۸)

این آیه نمی‌گوید از دشمنی و رنج خود غافل شوید، بلکه می‌گوید اجازه ندهید دشمنی، معیار تشخیص درست و غلط را در شما تغییر دهد. فرض کنید همکاری در محیط کار، با گزارش نادرست باعث شده است زحمات شما نادیده گرفته شود، شما حق دارید موضوع را پیگیری کنید، مستندات ارائه دهید و از اعتبار حرفه‌ای خود دفاع کنید اما اگر برای تلافی، اشتباه او را بزرگ‌نمایی کنید یا به دروغ متهمش کنید، دیگر صرفاً در حال دفاع از حق خود نیستید، در روابط خانوادگی هم گاهی همین اتفاق می‌افتد. ممکن است کسی سال‌ها از تحقیر شدن رنج برده باشد و سرانجام در نخستین موقعیتی که قدرت پیدا می‌کند، همان رفتار را با همسر، فرزند یا فرد ضعیف‌تری انجام دهد. اگر چنین شود، ظلم متوقف نشده است، فقط جای ظالم و مظلوم تغییر کرده است.

امام سجاد^ع از خدا می‌خواهد که نه تنها دست ظالم از آزار ایشان کوتاه شود، بلکه خود ایشان نیز از تکرار رفتار او محفوظ بمانند. این دعا یادآوری می‌کند که پیروزی واقعی فقط این نیست که طرف مقابل، دیگر نتواند به ما آسیب بزند، پیروزی آن است که رفتار او، اخلاق ما را تباه نکند.

احکام

وظیفه مأموم در جایی که قرائت امام

صحیح نیست

سمانه رضوانی| نماز-جماعت یکی از عبادات اجتماعی مهم در اسلام است که شرایط و احکام خاصی دارد، یکی از مسائل مهمی که ممکن است برای مأموم پیش بیاید، صحیح نبودن قرائت امام جماعت است. در چنین حالتی، وظیفه مأموم چیست و آیا می‌تواند به چنین امامی اقتدا کند؟

آیت‌الله‌العظمی شهید سیدعلی خامنه‌ای

اگر قرائت امام از نظر مأموم صحیح نباشد، اقتدا و نمازجماعت او باطل است و اگر نمی‌تواند نماز را اعاده کند، اقتدا نکردن اشکال ندارد.

آیت‌الله‌العظمی ناصر مکارم شیرازی

اگر قرائت امام جماعت یا امام جمعه صحیح نبود، در درجه اول در صورت امکان، باید به خود او تذکر داد، ولی تذکر به دیگر مأمومین لازم نیست. در هر صورت مادامی‌که این اشتباه ادامه داشته باشد، نمی‌توان به او اقتدا کرد.

آیت‌الله‌العظمی سیدعلی سیستانی

قرائت امام جماعت باید صحیح باشد و حمد و سوره نماز را به عربی صحیح بخواند، بنابراین اقتدای مأمومی که قرائتش صحیح است، به امامی که قرائتش صحیح نیست – هرچند امام در عملش شرعاً معذور باشد – جایز نمی‌باشد. همچنین، اگر امام و مأموم هر دو قرائشان صحیح نباشد و در کلمه‌ای که آن را اشتباه تلفظ می‌کنند مشترک نباشند، اقتدا صحیح نیست، بلکه اگر در کلمه‌ای که آن را اشتباه تلفظ می‌کنند مشترک باشند، بازهم بنا بر احتیاط واجب، اقتدا صحیح نمی‌باشد.

اقتدا به امامی که قرائت حمد و سوره‌اش صحیح نیست و در این امر شرعاً معذور است، در غیر محلی که امام جماعت، خواندن حمد و سوره را از طرف مأمومین به عهده می‌گیرد، اشکال ندارد، مثل اینکه مأموم در رکوع رکعت دوم یا در رکعت سوم یا چهارم به امام اقتدا کند که محل قرائت گذشته است. همچنین، اقتدا به امامی که اذکار رکوع یا سجود یا تشهد یا تسبیحات اربعه و مانند آن را در نماز غلط می‌خواند و در این امر شرعاً معذور است، اشکال ندارد.



بازخوانی نگاه توحیدی در زمان جنگ و بحران ها در آینه قرآن و معارف اسلامی

خدای جنگ

انسان در روزهای عادی ممکن است خدا را به‌گونه‌ای تصور کند و در روزهای سخت، به‌سبب فشار حادثه، ناخواسته به تصور دیگری برسد. ترس، ناامنی، دیدن قدرت دشمن، از دست دادن عزیزان و نگرانی از آینده، گاهی انسان را به این سمت می‌برد که احساس کند تنها مانده است، پشتیبانی ندارد یا آن‌گونه که باید، مورد توجه خدا نیست. اما حقیقت آن است که دوران بحران، به‌ویژه هنگام جنگ، بهترین فرصت برای شناخت خداوند و اصلاح تصورات نادرست ما درباره ذات یگانه اوست. جامعه ایمانی در هنگام سختی‌ها نه تنها نباید به خدا نگاه منفی داشته باشد، بلکه همان نگاه‌های نادرست قبلی را نیز باید اصلاح کند. حال سؤال این است که خدا را در دوران سختی‌ها، چگونه خدایی ببینیم و چه تصویری از او داشته باشیم.



دکتر زهرا حسینی
روانشناس و فعال اجتماعی

خدا را «کافی» ببینیم

بحران‌های زندگی، بسیاری از تکیه‌گاه‌های ظاهری را متزلزل می‌کند. آن وقت این پرسش جدی‌تر از همیشه پیش می‌آید که اگر فلان امکان نباشد، اگر فلان شخص نباشد، اگر فلان راه بسته شود، چه خواهیم کرد؟ در چنین شرایطی باید خدا را «کافی» دید.

کفایت خدایینی انسان بدانند که خدا برای سامان دادن امور او و حمایت از او از هر نظر کافی است. نتیجه چنین نگاهی، توکل و اعتماد به خداست. هرچه انسان درک روشن‌تری از کفایت خدا پیدا کند، تکیه‌اش بر او بیشتر و اضطرابش از کمبود اسباب، کمتر خواهد شد.

این تصور به معنای کنار گذاشتن اسباب نیست، بلکه یعنی اسباب را به‌کار بگیریم، اما آن‌ها را تکیه‌گاه‌نهایی خود ندانیم. ممکن است بسیاری از امکانات تغییر کنند، اما اگر خدا برای انسان کافی باشد، با تغییر هر وسیله‌ای، اساس اعتماد او فرو نمی‌ریزد. قرآن کریم، خدای کافی را با تعبیری مانند «کفی بالله نصیرا، کفی بالله وکیلا و کفی بالله حسیبا» یاد می‌کند.

خدا را «امدادگر» ببینیم

یکی از تصورات ناقص ما درباره پروردگار این است که او را فقط ناظر حادثه بدانیم، گویی ما در میدان ایستاده‌ایم و خدا فقط از دور ما را می‌بیند، حال آنکه در منطق توحیدی، خدا هم ناظر و آگاه به حالات ماست و هم خودش در میدان، امدادگر مؤمنان است.

امدادهای الهی از راه‌های گوناگونی شامل حال مؤمنان می‌شود؛ از طریق فرشتگان، از مسیر پدیده‌های طبیعی و حتی از طریق خواب آرامش‌بخش؛ همان‌طور که در جنگ بدر اتفاق افتاد. توجه به این امدادها، مؤمنان را درباره قطعی بودن وعده‌های الهی و پیروزی نهایی بر دشمن، مطمئن می‌کند.

در قرآن کریم در بیش از سی آیه به این امدادها – که در جنگ‌های صدر اسلام به پیامبر اکرم^ص و مؤمنان رسیده – اشاره شده و به‌عنوان یکی از زست‌ها و وعده‌های تخلف‌ناپذیر الهی، بر آن تأکید شده است.

خدا را «آرامش‌بخش» ببینیم

در جنگ‌ها، همیشه کمبود امکانات، مشکل اصلی نیست؛ گاهی مشکل بزرگ‌تر، از دست رفتن آرامش است. انسان مضطرب، قدرت تصمیم‌گیری خود را از دست می‌دهد و در برابر حوادث پیچیده، زودتر می‌شکند.

اینجاست که باید خدا را خدایی بدانیم که می‌تواند آرامش را بر دل مؤمنان نازل کند؛ همان آرامش و وقاری که انسان را قادر می‌سازد در سخت‌ترین شرایط، خود را نیاززد و در برابر حوادث و مشکلات، ثبات قدم داشته باشد. قرآن کریم در بسیاری از آیات مربوط به جنگ، این آرامش را با حمایت الهی، پیوند زده است. پس یکی از مهم‌ترین امداد‌های الهی در بحران‌ها، نه تغییر فوری در ظواهر و شرایط سختی، بلکه تغییر در درون انسان است؛ اینکه در وضعیتی که همه چیز می‌تواند اضطراب‌آور باشد، دل مؤمن چنان آرامشی دارد که گویا حادثه‌ای برای او رخ نداده است.

خدا را «حافظ» ببینم

جنگ با خود، خطر و تهدید همراه می‌آورد و انسان را با این نگرانی روبه‌رو می‌کند که چه آسیبی ممکن است متوجه او شود. در چنین وضعیتی، اگر همه توجه ما به خطر معطوف شود، تهدید در دهنمان، بزرگ‌تر و سنگین‌تر از آنچه هست، جلوه می‌کند. باید در کنار دیدن خطر، خدا را نیز ببینیم؛ خدایی که قادر بر حفظ و تأمین مؤمنان است.

اینکه ما مطمئنان داشته باشیم خدای می‌تواند انسان را از عوامل ضرر رسان و نگران‌کننده حفظ کند، خودش موجب دلگرمی و کاهش ترس می‌شود؛ چرا که «ایمن ماندن از ضرر»، خود عاملی برای آرامش روانی افراد است. در این صورت، مؤمن خود را از گزند هرگونه شر و آسیبی درامان می‌داند و دیگر از هیچ ضرر و زنی‌ای ترس نخواهد داشت. در نتیجه، تهدیدها و حیل‌های کسانی که در صد زیان‌رسانی به او هستند، در او اثر نخواهد کرد. البته این نکته را نباید از نظر دور داشت که ایمان به قدرت الهی و حافظ بودن او همیشه به معنای سلامت جسمانی و ظاهری نیست؛ اما اینکه پیروزی مومن در منطق قرآن هم شامل پیروزی ظاهری و هم رسیدن به فوز شهادت است. این قرآن کریم در موارد متعددی به این تصور صحیح از خدا پرداخته و ایمینی مؤمنان را به شرط رعایت صبر و تقوا، تضمین کرده است.

خدا را «قدرتمند» ببینیم

یکی از تصورات نادرست و خطرناک در دوران مبارزه، این است که دشمن را آن قدر بزرگ ببینیم که قدرت او را مطلق و نقشه‌هایش را شکست‌ناپذیر تصور کنیم. وقتی این اتفاق بیفتد، حتی قبل از آنکه شکست واقعی رخ دهد، روحیه انسان در درون شکست خورده است و همان، باعث شکست واقعی او می‌شود. اما تصور درست این است که خدا قدرت مطلق است و تنها کسی که شکست برای او معنا ندارد، خداوند متعال است. در قرآن کریم کوچک‌جلوه دادن قدرت دشمنان، ترس‌انداختن در دل دشمن و تضعیف روحیه او، یکی از شیوه‌های تقویت مؤمنان و آرامش دادن به آن‌ها ست. بنابراین باید این تصور نادرست را اصلاح کنیم که «دشمن هر کاری بخواهد، می‌تواند انجام دهد.» نه؛ دشمن نقشه دارد، اما نقشه او در برابر تدبیر الهی نقش بر آب می‌شود؛ قدرت دارد، اما قدرت او در برابر قدرت پروردگار چیزی نیست.

پاک شدن از گناهان؛ اثر مراقبت دل‌سوزانه از بیماران

تدبیر و قدرت انجام شود که نتیجه بدهد و حاجت برآورده شود. اما اگر به نتیجه نرسید، باز هم برای هدف مقدس واقدام و سعی پاک و سالم خویش، سزاوار اجر و پاداش است. و براساس این حدیث، یاداش پرستاری از بیمار احباط عقاب است و موجب ریزش گناهان و پاک شدن پرستار می‌شود. انسان با پرستاری از بیمار از گناهان خارج می‌شود؛ مثل روزی که از مادر به دنیا آمده است. اجر نتیجه برای پاسداری بسیار بزرگ است. اجر پرستاری از بیماران از اهل بیت خویش، پدر و مادر و خواهر و برادر و سایر بستگان و فامیل از پرستاری عموم مردم، بزرگ‌تر است. این بیان پیامبر خدا^ص انگیزه خدمت به بیماران را افزایش می‌دهد. بستگان انسان نباید در زمان بیماری تنها بمانند، بلکه انسان باید با نشاط بیشتری به پرستاری از آنان بپردازد.

طی می‌کند، اجر و پاداش الهی خواهد داشت. اگر پرستار بیمار صادقانه تلاش کرد و بیمار خوب شد، همه خوشحال می‌شوند، بیمار و بستگان او و پرستارن همه شاد می‌شوند اما اگر بیمار شفا نیافت و خوب نشد و حتی از دنیا رفت، پرستار مخلص به اجر الهی خود خواهد رسید. مؤمن، مکلّف به تکلیف پرستاری و سعی در رفع نیاز و حاجت بیماران است و مأمور به نتیجه نیست. نفس تلاش صادقانه در راه هدف مقدس، همکاری و خدمت به مریض و حرکت در راه رفع احتیاجات او، ارزشمند و مقدس و دارای پاداش است؛ چه در رفع حاجت توفیق یابد چه توفیق نیابد. باید تلاش در راه هدف مقدس رفع حاجت بیماران با



آیت‌الله‌المسلمین دکتر محمد رضا خوی‌نیا
عفو هیت علمی دانشگاه فردوسی مشهد

نست؟ امام گفت: آری.» در این حدیث قدر و ارزش سعی و تلاش خالصانه و صادقانه و بی‌ریا و بی‌منت برای برطرف ساختن حاجت بیماران بیان شده است. اصل سعی در حاجت مریض مهم است. انگیزه الهی و قصد خدمت به بیمار در قضای حاجت وی، راهگشا و بارزش و دارای قداست است. هر زمانی که انسان با هدف خدمت به بیمار در کنار او و در مقام پرستاری او قرار می‌گیرد و حوائج پیرامونی و بیرونی وی را می‌بیند و می‌شنود و اقدام مقتضی انجام می‌دهد، به عبادت خدا مشغول است. اگر اقدام مقتضی در رفع حاجت مریض انجام داد و با تمام توان سعی کرد اما نتوانست نیاز و حاجت بیمار را برطرف کند، باز هم براساس راه مقدسی را که

پیامبر خدا^ص و اهل بیت^ع با رفتار و گفتار خویش ارزش و اجر پرستاری از بیماران را آموزش داده‌اند. امام جعفر صادق^ع از پدران خویش، از امیرمؤمنان امام علی^ع، نقل کرده‌اند که پیامبر خدا^ص فرمود: «مَنْ سَعَى لِمَرِيضٍ فِي حَاجَةٍ فَضَاهَا أَوْ لَمْ يَقْضِهَا، حَرَجَ مِنْ ذُنُوبِهِ كَيَوْمَ وَلَدَتْهُ أُمُّهُ. فَقَالَ رَجُلٌ مِنَ الْأَنْصَارِ: يَا أَبَتِ وَأَيُّ تَأْسُوفٍ اللهُ! فَإِنَّ كَانَ الْمَرِيضَ مِنْ أَهْلِ بَيْتِهِ؛ أَوْلَيْتَ ذَاكَ عَظَمَ أَجْرُ! إِذَا سَعَى فِي حَاجَةِ أَهْلِ بَيْتِهِ؟ قَالَ: نَعَمْ، هَرَكَهُ دَرَاهِمُ كَمَكٍ بِهْ بِبِمَارٍ وَرَفَعَ نِيزَ او، سَعَى وَ كُوشِشَ كُنْتُ. تَوْفِيقَ اِنْجَام وَ قَضَايَ حَاجَتِ او رَایِد اَكُنْتُ. اَزْ كُنْاهَنَشْ هَمَانَنْدِ رُوزِیْ كِه اَز مَادِرِ بِه دُنْیَا اَمْدِه اَسْتُ، خَارِج می‌شود، پس مردی از انصار گفت: پدر و مادرم فدای شما باد؛ اگر بیمار از اهل بیت او باشد، آیا هنگامی که در رفع حاجت اهل بیتش سعی کند، اجر و پاداشش بزرگ‌تر

تلنگر